

# هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

## زلزله را ما انسان‌ها به فاجعه بدل می‌کنیم! یادداشتی از دکتر جبار رحمانی

اسماعیل حسام مقدم, 18th, Saturday, November 2017

نقد «مواجهه هیجان‌زده با زلزله» از نگاه انسان‌شناسانه  
زلزله را ما انسان‌ها به فاجعه بدل می‌کنیم!

دکتر جبار رحمانی

عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی

زمین‌لرزه، واقعه‌ای طبیعی است که با توجه به مختصات جغرافیایی ایران، برای ساکنان این سرزمین واژه‌آشنایی است که همه ما خاطرات تلخی از آن داریم. اما آنچه که زلزله را به «فاجعه» بدل می‌کند، وجه طبیعی آن نیست؛ بلکه زلزله زمانی که سبب هزینه‌های جانی و مالی وسیع در جهان اجتماعی و انسانی می‌شود، به یک فاجعه انسانی و اجتماعی بدل می‌شود.

از این رو، زلزله فی‌نفسه دلالت خاص بر بحران و فاجعه ندارد، موقعیت و نحوه زندگی و سکونتگاه‌های ماست که آن را به فاجعه بدل می‌کند. مواجهه جامعه ایرانی با زلزله‌های دهه اخیر، از منجیل و بم و اردبیل گرفته تا شهرهای استان کرمانشاه بیانگر آن است که اغلب، برخورد واحدی با این واقعه داشته‌ایم: «هیجان‌زدگی» در عین «بی‌برنامگی». گویی همیشه مرگ برای دیگران است، از این رو، جامعه ما جدیت مواجهه برنامه‌ریزی شده با واقعه طبیعی زمین‌لرزه را درک نکرده است و توجهی به آن ندارد.

مهم‌ترین ابعاد مواجهه ما با وقوع زلزله اینگونه است؛ هجوم رسانه‌ای به زلزله برای خبررسانی، سپس انواع خبر از نیازهای فوری و تشکیل انبوه گروه‌های مردمی برای جمع‌آوری کمک و یک اوج هیجان جمعی. نگاهی به فضای مجازی این پیام بیانگر آن است که مردم خودشان برای کمک‌رسانی دست به کار شده‌اند. گویی از نهادهای رسمی متولی مدیریت بحران قطع‌امید کرده‌اند. به همین دلیل هر کس به دنبال آن است که خود مستقیم وارد عمل شود و آنقدر هیجانی و عاطفی است که حاضر نیست ریسک کند و به نهادهای ناشناس اعتماد کند؛ یک نمایش اجتماعی بزرگ که عمیقاً «شورانگیز» است و در عین حال «تأسف‌برانگیز»؛ شورانگیز از آن جهت که چند روز دیگر همه یادشان می‌رود و باید منتظر نمایش بعدی و هیجان جمعی بعدی باشیم.

مسئله اصلی آن است که نه از این واقعه درس می‌گیریم و نه آن را در حافظه خود به مثابه یک تجربه آموزنده ضبط می‌کنیم. «هیجان‌زدگی» و «شورانگیزی» خصلت مهمش، زود فراموشی است. هیچ وقت بعد از زلزله، با مهندسان، شرکت‌ها و مسئولانی که کوتاهی آنان در کیفیت سازه‌ها، عامل اصلی مرگ هموطنان شده، برخوردی نکرده‌ایم.

هیچ وقت به یاد نیاوردیم زلزله را ما انسان‌ها به فاجعه بدل می‌کنیم. مسکن‌های ضعیف بر سر عزیزان هموطن آوار می‌شوند و ما هم زود فراموش می‌کنیم.

چه اتفاقی افتاده که در کشور ما که هر چند سالی با زلزله‌ای مهیب مواجه هستیم، هنوز ساماندهی اطمینان‌بخش برای مدیریت بحران وجود ندارد. چه اتفاقی افتاده که وزارت‌های متولی مسکن، بعد از این همه تلفات عزیزان هموطن، هنوز استانداردها را جدی نگرفته‌اند و حتی حاضر به اندیشیدن در باب آن به مثابه یک سیاست اجرایی نیستند.

این روزها نه برای قربانیان زلزله، که باید برای زندگان و مدیران و کارشناسان بی‌مسئولیت مرثیه‌خوانی کرد. وجدان‌هایی که غفلت آنان عامل تبیین‌کننده بخش اعظمی از این تلفات است. مدیران و متخصصان

بی‌مسئولیت بیش از هر نیروی رانشی زمین، فاجعه‌سازند. ایران بیش از آنکه هزینه‌های جانی و مالی بلایای طبیعی را بدهد، هزینه جانی و مالی بلایای انسانی (در ترکیب سیاه مدیران و متخصصان بی‌مسئولیت) را می‌دهد. از این رو، پس از گذر از این روزهای سخت بر هموطنان عزیزمان در کرمانشاه، بهتر است عبرت بگیریم و به استقبال واقعه بعدی برویم تا به فاجعه‌ای دیگر بدل نشود. همین که جامعه‌ای به این سادگی اعضایش را قربانی وقایع طبیعی می‌کند و آن وقایع را به فاجعه‌ای بزرگ بدل می‌کند، نشان می‌دهد عقلانیت در نهادهای مدیریتی آن عمیقاً دچار بحران است و به تبع آن اخلاق نهادی و مسئولیت مدیران و متخصصان نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما در این آشفته‌بازار ناکارآمدی سیستم‌های مدیریتی جامعه، چه چیزی توانسته حیات روحی مردم را حفظ کند؟ به نظر می‌رسد تکاپوی مردم و انگیزش بالای آنان برای همدردی و همدلی و کمک به بازماندگان این فاجعه، بیانگر حیات اخلاقی جامعه ما باشد. این لحظه‌های تلخ، زمانه و زمینه‌ای هستند که جامعه توانسته روح اخلاقی خود را تجدید کند و همدلی و همبستگی ملی میان اعضایش را تقویت نماید. آنچه که تلخی از دست دادن عزیزان و بار فراق برای بازماندگان را قابل تحمل می‌کند، مدیریت عقلانی نهادهای متولی نیست، همدلی صادقانه مردمی است که به دلیل فقدان عقلانیت پیشگیرانه و مسئولانه در نهادها، خودشان دست به کار شده‌اند. خدا می‌داند تا به کی باید با جان مردم هزینه کرد تا به یک سیستم عقلانی برای مدیریت و پیشگیری بحران‌ها و مهمتر از همه مجازات متخلفان رسمی و غیررسمی برسیم. همین حمایت قلبی و همه جانبه مردم است که می‌تواند سرمایه‌ای معنوی برای کمک به بازماندگان زلزله و حل مشکلات آنان باشد.

This entry was posted on Saturday, November 18th, 2017 at 2:06 pm and is filed under [مقاله](#) و [یادداشت](#)

You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can leave a response, or [trackback](#) from your own site.